



دوماهنامه علمی- پژوهشی

ش ۷ (پیاپی ۴۲)، ویژه‌نامه زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۵۹-۱۸۲

## تحلیل کیفیت ترجمه ادبی با رویکرد نقش‌گرای ارزیابی ترجمه:

### مطالعه موردی ترجمه‌های فارسی

### رمان فرنی و زویی اثر جی. دی. سلینجر

بدری‌السادات سیدجاللی<sup>۱\*</sup>، شهرام مدرس خیابانی<sup>۲</sup>، سید محمد کریمی بهبهانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران

۲. استادیار آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران

۳. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران

پذیرش: ۹۶/۱/۱۵

دریافت: ۹۵/۸/۱۰

### چکیده

ارزیابی کیفیت ترجمه متون ادبی بر پایه نقش‌زبانی یکی از موضوعات مورد توجه در مطالعات ترجمه است. یکی از مطرح‌ترین الگوهای ارائه‌شده در این زمینه الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه‌هاوس (1997) است که بر نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی استوار است. به باور هاوس، دو نوع ترجمه وجود دارد: آشکار و پنهان. حاصل ترجمه آشکار، برخلاف ترجمه پنهان، که رنگ‌وبوی بومی به خود گرفته است، متنی با عناصر بیگانه و ناآشنای فرهنگی است که ردپای مترجم در آن کاملاً مشاهده می‌شود. هاوس ترجمه آشکار را برای متون فرهنگ‌محور و به‌ویژه متون ادبی پیشنهاد می‌کند. نگارندگان پژوهش حاضر می‌کوشند تا با بررسی نقش متون مبدأ و مقصد، و همچنین بررسی تنوع و تکرار خطاهای آشکار، چگونگی بازتولید نقش متن ادبی و نیز آشکاربودن و پنهان‌بودن ترجمه ادبی را، با توجه به عناصر مؤثر، واکاوی کنند. به این منظور، بر مبنای روشی تحلیلی-توصیفی، کیفیت دو ترجمه فارسی موجود از رمان فرنی و زویی، اثر جروم دیوید سلینجر (1961)، را ارزیابی می‌کنند. در فرایند بررسی، بخش‌هایی از پیکره با ترجمه‌های میلاد زکریا و امید نیک‌فرجام مقابله و بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش در قالب خطاهای آشکار و پنهان ارائه و تحلیل می‌شود. نتیجه بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد عمده هر دو مترجم نزدیک‌کردن متن مبدأ به خواستگاه و چارچوب ذهنی مخاطب ترجمه است، هرچند ترجمه زکریا نسبت به ترجمه نیک‌فرجام ترجمه آشکارتری است و توجه بیشتری بر بازتولید «نقش اندیشگانی» متن مبدأ داشته است.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی کیفیت ترجمه، نقش‌گرای، جولیان هاوس، فرنی و زویی.

## ۱. مقدمه

بحث درباره کیفیت ترجمه همواره در گرو شفاف‌سازی هدف فرایند ترجمه است. در میان چارچوب‌های نظری که برای ارزیابی کیفیت ترجمه مطرح می‌شود، رویکرد نقش‌گرا از اهمیت خاص برخوردار است. این رویکرد در مطالعات ترجمه حاصل آن دسته از پژوهش‌هاست که مدعی است هدف (نقش) متن مبدأ مهم‌ترین معیار در ارزیابی هر ترجمه است و اصلی‌ترین رسالت مترجم حفظ این هدف در ساختار زبان مقصد است. نخستین گام‌های این دسته از پژوهش‌ها با پژوهش‌های ورمیر<sup>۱</sup> و پیدایش نظریه هدفمندی ترجمه<sup>۲</sup> آغاز شد (Ripp & Vermeer, 1991, quoted from Schäffner, 1997: 1). اما در جهت افزایش عینیت در ارزیابی کیفیت، هاوس (1997) براساس نظریه نظام‌مند نقش‌گرای<sup>۳</sup> هلیدی<sup>۴</sup> الگویی برای ارزیابی کیفیت ترجمه<sup>۵</sup> مطرح کرد که «تأحدی پذیرفتنی جنبه‌های متنی، موقعیتی و فرهنگی را نیز در نظر می‌گیرد» (Schäffner, 1997: 4). الگوی نقش‌گرای هاوس با تأثیر از «اندیشه‌های مکتب پراگ، نظریه کنش کلام، کاربردشناسی، تحلیل گفتمان و تفاوت‌های پیکره‌بنیاد زبان گفتاری و نوشتاری» (House, 2001b: 247) شاخص‌های عینی‌تری برای توصیف نمایه متن مبدأ و متن ترجمه، و مقایسه هم‌زمان آن‌ها برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه داده است. در الگوی تحلیلی هاوس، این مقایسه با کمک نمایه‌های متن مبدأ و مقصد- بر پایه تبیین مؤلفه‌های سیاق<sup>۶</sup> (گستره<sup>۷</sup>، عامل<sup>۸</sup> و شیوه<sup>۹</sup>) و ژانر<sup>۱۰</sup> - صورت گرفته است. جولیان هاوس، ذیل تعریف الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه، دو نوع ترجمه را برشمرده است: ترجمه آشکار و ترجمه پنهان. در ترجمه آشکار مترجم، که رسالت خود را حفظ معادل نقشی متن اصلی می‌داند، آگاهانه طوری دست به انتخاب معادل‌های زبانی می‌زند که مخاطب ترجمه به‌سادگی بیگانه‌بودن متن و عناصر آن را درک کند. حال آنکه در ترجمه پنهان، متن ترجمه در چارچوب‌های معمول و رایج زبان و فرهنگ متن مقصد تولید می‌شود و دیگر رنگ بیگانگی برای مخاطبش ندارد. هاوس برای انتخاب صحیح یکی از دو روش فوق به نقش و کارکرد آن‌ها اشاره و تأکید کرده است که برای متون فرهنگ‌محور، به‌ویژه متون ادبی، باید شیوه ترجمه آشکار را اتخاذ کرد تا متن ترجمه بتواند جایگاه مستقلی در ادبیات زبان مقصد داشته باشد.

در پژوهش حاضر، الگوی نقش‌گرای هاوس برای تحلیل ترجمه‌های رمان *فرنی و زویی*

به‌عنوان پیکره مورد مطالعه به کار گرفته می‌شود. بررسی شیوه اتخاذ شده در ترجمه متن ادبی، که در اینجا رمانی از سلینجر است، و همچنین چرایی اتخاذ این شیوه مسئله اصلی این پژوهش است. به‌عبارت‌دیگر، پرسش اساسی این مقاله این است که مترجمان این اثر ادبی تا چه اندازه در انتخاب راهکارهای ترجمه‌ای خود به نقش مورد نظر نویسنده در زبان مبدأ قائل بوده‌اند و تا چه اندازه رفتار ترجمه‌ای آن‌ها با الگوی نظری نقش‌گرای جولیان هاوس هماهنگی داشته است. به نظر می‌رسد مترجمان عموماً در مواجهه با متون ادبی برخوردارهای مشابهی ندارند و متون ترجمه‌شده ویژگی‌های نقشی متفاوت و بعضاً مستقل از متن مبدأ از خود بروز می‌دهند. برای پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده، دو نامه از کتاب *قرنی و زویی* برگزیده و با برگردان‌های فارسی آن مقایسه می‌شود. بنابر چارچوب نظری هاوس، دو نوع خطای آشکار و پنهان و علل بروز آن‌ها بررسی خواهد شد. با به‌کارگیری الگوی هاوس، تعریف خطاهای پنهان با تکیه بر تعریف نمایه‌های متن مبدأ و متن ترجمه و مقایسه آن‌ها صورت می‌گیرد. ازسوی‌دیگر، علل بروز خطاهای آشکار نیز براساس طبقه‌بندی پنج‌گانه پیشنهادی در چارچوب نظری بررسی و بسامد بروز خطاها شمارش و مقایسه خواهد شد تا عملکرد مترجمان در انتخاب «معادل‌های نقشی» واکاوی شود.

براین‌اساس، این مقاله شش بخش دارد. بخش اول، که مقدمه، مسئله پژوهش، طرح پرسش، فرضیه اولیه پژوهشگران و درنهایت، روش انجام تحقیق را در بر می‌گیرد. بخش دوم، با مرور پیشینه پژوهش آغاز می‌شود و با ارائه جنبه نوآورانه و تمایز آن با مطالعات پیشین ادامه می‌یابد. بخش سوم درباره چارچوب نظری پژوهش است که ذیل آن، نخست، نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی و تأثیر آن بر دیدگاه‌های جولیان هاوس مرور می‌شود، سپس الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس مطرح می‌شود. در بخش چهارم، نگارندگان شیوه پژوهش را به‌صورت گام‌به‌گام ارائه می‌کنند و در بخش پنجم، بررسی یافته‌های این پژوهش را همراه با ارائه شواهد متنی می‌آورند. در بخش پایانی، نتیجه ارزیابی کیفیت دو ترجمه فارسی رمان *قرنی و زویی* ارائه می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که با محوریت به‌کارگیری الگوهای نظری برای نقد و ارزیابی عملی ترجمه در

ایران صورت گرفته باشد، سابقه چندانى ندارد و اغلب مطالعات صورت گرفته در حیطه مطالعات نظری و بررسی الگوهای نقد و ارزیابی ترجمه بوده است. در این میان، شماری از پژوهش‌ها موفق شده‌اند وارد حوزه‌های عینی‌تر و کاربردی‌تر شوند که به مهم‌ترین آن‌ها در این بخش اشاره می‌شود:

الف) متقی‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۹۵) بر آن‌اند تا با استفاده از الگوی ارزیابی هاوس نحوه تغییرات ایدئولوژیکی و گفتمانی را در فرایند ترجمه عربی به فارسی بررسی کنند. در این مقاله، هدف اصلی نگارندگان مطالعه امکان تغییر نقش متن با عنایت به ابزارهای تحلیل گفتمان است، نمایه‌های متن اصلی یک خبر از شبکه الجزیره با متن ترجمه آن مقایسه شده‌اند. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که علی‌رغم حفظ ژانر، نقش متن به دلیل جنبه‌های ایدئولوژیکی تغییر نکرده است.

ب) امامی (۱۳۸۵) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با تکیه بر چارچوب نظری زبان‌شناسی نقش‌گرایی هلیدی و به‌کارگیری الگوی هاوس، پژوهشی با عنوان *بررسی امکان ارزیابی متون ترجمه‌شده بر پایه یک نظریه تحلیل گفتمان* انجام داده است. تمرکز اصلی وی در سنجش کیفیت ترجمه مطالعه دو فرانش میان فردی و متنی است. نویسنده سه ترجمه فارسی و سه ترجمه انگلیسی از داستان شازده کوچولو را ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده است که رعایت مؤلفه‌های گفتمانی، در فرانش‌های میان فردی و متنی، کیفیت ترجمه را افزایش می‌دهد.

ج) خان‌جان (۱۳۷۹) در پایان‌نامه خود، با عنوان *مقایسه متنی پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی با ترجمه فارسی نجف دریابندری: رهیافتی در تحلیل کلام* در دانشگاه اصفهان، به توصیف گفتمانی متن انگلیسی رمان *پیرمرد و دریا* و ترجمه فارسی آن بر مبنای دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هلیدی پرداخته است. پرسش اصلی پژوهش وی این است که آیا از نظر برقراری تعادل کارکردی میان مثلث نویسنده، متن انگلیسی، خواننده انگلیسی‌زبان و مثلث نویسنده، ترجمه فارسی، خواننده فارسی‌زبان، در هر دو سطح خرد و کلان موازنه برقرار شده است یا خیر؟ یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که مترجم در مسیر دستیابی به تعادل کارکردی به‌طور متناوب از راهبردهای حفظ و یا تعدیل متون مبدأ و مقصد بهره گرفته است؛ اما در بعضی موارد، راهبردهای اتخاذشده از سوی مترجم به تغییر کارکردی منجر شده است.

با وجود این، موارد تخطی از تعادل کارکردی به تغییر نقش متنی متون حاضر در سطح کلان منتهی نمی‌شود، به‌خصوص از این جهت که مترجم پیشاپیش از طریق مقدمه‌ای طولانی خواننده را با زمینه‌های زبانی و فرازبانی تولید اثر آشنا کرده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های یادشده و نیز سایر پژوهش‌هایی که اغلب در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد برای به‌کار بستن الگوی جولیان هاوس با رویکرد نقش‌گرایی در حوزه عملی ارزیابی ترجمه صورت گرفته، تمرکز بر بررسی نقش ترجمه با عنایت به بررسی نمایه‌های متن مبدأ و ترجمه آن و یا مطالعه فرانش‌های سه‌گانه هلیدی است، درحالی‌که در پژوهش پیش رو افزون‌بر بررسی نمایه‌ها، که نتیجه آن بروز خطاهای پنهان است، نگارندگان برای نخستین بار طبقه‌بندی پنج‌گانه هاوس در واکاوای خطاهای آشکار را نیز به کار گرفته‌اند تا بتوانند با نگاهی جامع‌تر درباره آشکار یا پنهان بودن ترجمه و چگونگی بازنمایی نقش آن در زبان مقصد تصمیم بگیرند.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، چارچوب نظری پژوهش حاضر الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس (1997) است. از آنجاکه این الگو و ام‌دار زبان‌شناسی نقش‌گرا و به‌ویژه دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی است، در این بخش، نخست به بررسی اجمالی نظریه هلیدی و تأثیرات آن بر دیدگاه هاوس پرداخته می‌شود؛ سپس الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس و نیز مفاهیم کلیدی این الگو، یعنی ترجمه آشکار/ترجمه پنهان و خطای آشکار/خطای پنهان، تشریح خواهد شد.

#### ۳-۱. دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی و تأثیر آن بر دیدگاه‌های هاوس

هلیدی دستور خود را دستور نقش‌گرا می‌داند؛ زیرا چارچوب مفهومی آن بر مبنای اولویت‌دهی به نقش است و نه صورت. دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی برای زبان سه سطح در نظر می‌گیرد: سطح معنایی، سطح دستور-واژگان، سطح واج‌شناسی؛ اما او معنا را در رأس الگوی سه‌سطحی خود قرار می‌دهد. مفهوم معنا در نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی در سه فرانش<sup>۱۱</sup> تجلی می‌یابد: فرانش اندیشگانی،<sup>۱۲</sup> فرانش بینا فردی<sup>۱۳</sup> و فرانش متنی.<sup>۱۴</sup>

نخستین نقش زبان نقش اندیشگانی است که برای بیان محتوا به کار می‌آید. به واسطه این نقش، گوینده یا نویسنده به تجربیاتش از پدیده‌های جهان واقعی تجسم می‌بخشد. در درجه دوم، زبان نقشی دارد که می‌توان آن را بینافردی نامید. در اینجا گوینده از زبان به مثابه ابزاری برای ورود خودش به رویداد گفتاری بهره می‌جوید، برای بیان حرف‌هایش، نگرش‌هایش، ارزیابی‌هایش و همچنین بیان رابطه‌ای که او میان خود و شنونده‌اش بنا می‌کند؛ مانند اطلاع‌رسانی، پرسش، احوال‌پرسی، قانع‌سازی و مانند آن؛ اما نقش سوم، نقش متنی است که از طریق آن زبان به خلق متن می‌پردازد و میان خود و شرایط رابطه برقرار می‌کند. در این شرایط گفتمان ممکن می‌شود؛ زیرا گوینده یا نویسنده می‌تواند متن را تولید کند و شنونده یا خواننده می‌تواند آن را تشخیص دهد (سلطانی، ۱۳۸۴، ۶۵، به نقل از Fowler, 1991: 69).

از طرفی، روشن است که هر متن یا گفتمان باید به موقعیت خاصی که آن را در بر گرفته اشاره کند، به همین منظور باید راهی یافت که بتوان مفهوم بافت موقعیتی را به عناصر ملموس و کنترل‌شدنی تقسیم کرد. هلیدی بر پایه مفاهیم مؤثر در تولید متن، رابطه میان متون و بافت موقعیتی آن‌ها را بر سه مؤلفه استوار می‌داند که عبارت‌اند از: ۱. گستره گفتمان، ۲. عاملان گفتمان، ۳. شیوه گفتمان. این سه جنبه بافت، سیاق کلام را مشخص می‌کنند (Halliday & Hassan, 1976: 38). استفاده از مفهوم نقش در الگوی ارزیابی هاوس حاکی از این واقعیت است که او وجود عناصری را در متن فرض می‌کند که نقش یا کارکرد آن متن را تعیین می‌کنند. نقش متن در نگاه هاوس مشتمل بر مؤلفه‌های اندیشگانی و بینافردی معنی به تعبیر مورد نظر هلیدی است که بر روی هم موجب «کاربرد متن در یک بافت موقعیتی معین» می‌شود (House, 2001a: 136).

بازتاب تفکر نقش‌گرای هلیدی عیناً در الگوی ارزیابی ترجمه هاوس مشاهده می‌شود، به نحوی که او ارزیابی ترجمه را در گرو بررسی فرایند بافت‌آفرینی موازی مترجم در نظام مقصد می‌داند. به این منظور، برای ارائه نمایه‌های متن مبدأ و مقصد (که به تفصیل در ادامه معرفی می‌شود) از مؤلفه‌های نقشی هلیدی استفاده می‌کند:

**گستره گفتمان + عاملان گفتمان + شیوه گفتمان = سیاق**

او در ادامه، برای تعریف نقش یگانه متن، عامل دیگری به نام ژانر را در تحلیل‌های خود وارد می‌کند. هوس معتقد است اگر سیاق را در کنار ژانر قرار دهیم به نقش یگانه متن خواهیم رسید.

### سیاق + ژانر = نقش یگانه متن

به دنبال بررسی تأثیر تفکرات نقش‌گرایی هلیدی بر این الگوی ارزیابی باید به اهمیت بافت موقعیتی نزد هوس اشاره کرد. هوس همواره بر این دیدگاه بنیادین در آثارش تأکید کرده است که «متن» و «بافت موقعیتی» از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. او در کتاب خود درباره موضوع ارزیابی نقش ترجمه به نقل از هلیدی می‌نویسد: «بافتی که متن در آن جاری می‌شود، از طریق روابط نظام‌مند بین محیط اجتماعی و سازمان نقشی زبان در متن تجلی پیدا می‌یابد» (همان). بنابراین، متن را باید با ارجاع به بافت موقعیتی ناظر بر آن تحلیل کرد و این خود مستلزم آن است که بتوان بافت موقعیتی را به مؤلفه‌های تحلیل‌پذیر، یعنی به ویژگی‌هایی از متن که هوس با عنوان «ابعاد موقعیتی» از آنها نام می‌برد، تجزیه کرد. با عنایت به تفکرات بنیادین در دستور نظام‌مند نقش‌گرایی هلیدی، الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هوس شرح داده می‌شود.

### ۳-۲. الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هوس

نخستین بار سال ۱۹۷۷، جولیان هوس الگویی برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه داد و بعدها، یعنی در سال ۱۹۹۷، آن را بازبینی کرد که عنوانش «دست‌آورد اصلی رویکردهای زبان‌شناختی-متنی و کاربردی به ارزیابی ترجمه» (Schäffner, 1997: 4) بود. علت اصلی این بازبینی انتقادهایی بود که به نسخه اول این الگو وارد شد. ایراد عمده نسخه اول الگوی هوس مبهم‌بودن اصطلاحات وی در تشریح روش‌های ارزیابی و نیز عدم شفافیت مرز میان ترجمه آشکار و پنهان بود. بنا به اظهار نظر خود او، نسخه جدید این الگو «به تحلیل سیاق، تمایز میان ترجمه آشکار و پنهان، صافی فرهنگ و نیز بازبینی کلی مفهوم ارزیابی ترجمه می‌پردازد» (Ibid: 101).

هوس برای بررسی هر متن ترجمه‌شده سه بُعد قائل می‌شود: معنی‌شناختی، کاربردشناختی، متنی. به اعتقاد هوس، چالش بزرگ در ترجمه مربوط به بعد کاربردشناختی فرایند ترجمه است، یعنی «کاربرد مشخص یک عبارت در موقعیتی معین» (House, 1977: 103) که محوریت الگوی ارزیابی وی است. بنابراین، هر متن در بستر موقعیتی منحصر به فرد

تعریف می‌شود تا نقش معینی را در جامعه‌ای زبانی ایفا کند. برای خدشه‌دار نشدن این نقش، در حین فرایند ترجمه، مترجم باید به ابعاد موقعیتی<sup>۱۵</sup> هر متن اشراف داشته باشد. بر پایه همین موضوع، هاوس در الگوی ارزیابی خود تحلیل سیاق را پیشنهاد می‌کند که سه عنصر اساسی دارد (House, 2001b: 247-248):

۱. **گستره گفتمان** «فعالیت‌های اجتماعی، موضوع یا عنوان را در برمی‌گیرد و شامل تمایز در درجات مختلف به‌لحاظ عمومی و اختصاصی بودن عناصر و اژگانی تحت عنوان تخصصی، عمومی و عامیانه است» (*Ibid*). به این ترتیب، عوامل تعیین‌کننده گستره را می‌توان با دو شاخص معرفی کرد: الف) موضوع (رمان، نمایشنامه، شعر، بروشور تبلیغاتی و ...); ب) کنش اجتماعی (تخصصی، عمومی، پرترف‌دار و ...)

۲. **عاملان گفتمان** به «ماهیت شرکت‌کنندگان، یعنی خطاب‌کنندگان و مخاطبان، و رابطه بین آن‌ها از لحاظ قدرت و فاصله اجتماعی و همین‌طور میزان نیروی عاطفی اشاره می‌کند» (*Ibid*). در توصیف عاملان گفتمان دو نکته اهمیت دارد:

الف) خواستگاه و جایگاه اجتماعی نویسنده یا مترجم;

ب) رابطه نقش اجتماعی (مقارن<sup>۱۶</sup> به این معنا که متن شامل ویژگی‌هایی است که نشان‌دهنده همبستگی و هم‌ترازی خطاب‌کننده و مخاطب است/ نامتقارن یعنی متن دارای شاخص‌های قدرت میان یکی از کنش‌گران گفتمان گاه خطاب‌کننده و گاه مخاطب است).

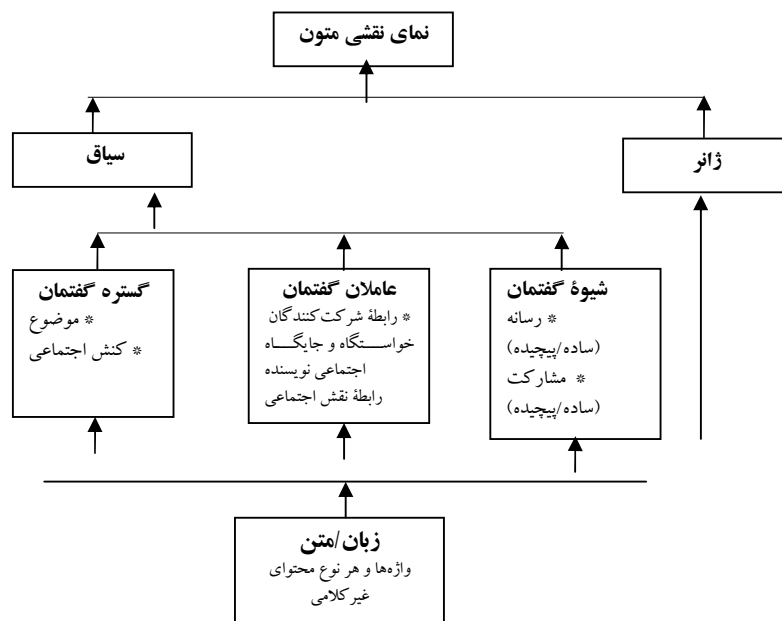
۳. **شیوه گفتمان** «به مجرای اطلاعات - نوشتاری و گفتاری اشاره می‌کند» (*Ibid*). شامل:

الف) رسانه (ساده اگر به‌منظور خوانده‌شدن نوشته شده باشد/ پیچیده اگر برای شنیده‌شنیدن نوشته شده باشد);

ب) مشارکت (ساده به معنای تک‌گویی خالق اثر/ پیچیده یعنی مخاطب قراردادن جامعه‌ای بزرگ).

الگوی تحلیلی هاوس به پژوهشگر امکان می‌دهد تا نقش متن اصلی را معین کند و آن را با نمایه متن ترجمه‌شده مقایسه کند. مطابقت داشتن معادل‌های نقشی در زبان‌های مبدأ و مقصد حاکی از متناسب بودن فرایند ترجمه و توانایی مترجم است. شکل ۱ طرح‌واره الگوی ارزیابی هاوس برای تحلیل و مقابله متون مبدأ و مقصد را نشان می‌دهد.





شکل ۱ طرح‌واره الگوی ارزیابی هاوس برای تحلیل و مقابله متون مبدأ و مقصد (House, 2001b: 249)

**Fig 1.** House's scheme for analyzing and comparing ST and TT (House, 2001b:249)

### ۳-۲-۱. ترجمه آشکار- ترجمه پنهان<sup>۱۷</sup>

هاوس در بررسی کیفیت ترجمه وجه تمایز ترجمه آشکار و ترجمه پنهان را مطرح می‌کند. او ترجمه آشکار را ترجمه‌ای می‌داند که در آن، مترجم آگاهانه طوری دست به انتخاب معادل‌های زبانی می‌زند که خواننده متن ترجمه به سادگی بیگانه‌بودن متن و عناصر آن را درک کند. به عبارت دیگر، در ترجمه آشکار مخاطبان متن مقصد به‌طور مستقیم خطاب نمی‌شوند، و با «متن اصلی ثانویه» (House, 1997: 66) روبه‌رو نیستند؛ چرا که متن شدیداً بر مبنای خواسته‌های جامعه زبانی متن اصلی و فرهنگ آن نگاشته شده است. حال آنکه در ترجمه پنهان، متن ترجمه در چارچوب‌های معمول و رایج زبان و فرهنگ متن مقصد تولید می‌شود. در

اینجا، مترجم قصد دارد خواننده را با متنی آشنا و عاری از هرگونه ساختارها و مفاهیم بیگانه روبه‌رو کند و درواقع، ترجمه‌ای بومی به مخاطب خود ارائه کند.

از آنجاکه الگوی هاوس رویکرد نقش‌بنیاد دارد، بررسی میزان انتقال درست نقش متن یا همان تحقق «معادل نقشی»<sup>۱۸</sup> در این دو نوع ترجمه به تفصیل بررسی می‌شود. هاوس با اشاره به الگوی چهار لایه تحلیلی خود (نقش، ژانر، سیاق، متن/زبان) تأکید می‌کند که در ترجمه آشکار، متن اصلی و ترجمه آن دارای زبان/متن، سیاق و ژانر معادل هستند. منظور از نقش متنی یا همان معادل نقشی دستیابی به نقش معادل متن اصلی در بستر دنیای گفتمان و فرهنگ زبان مقصد است. به دلیل متفاوت بودن شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی زبان مقصد، «تغییر در دنیای گفتمان و چارچوب امری ضروری است» (House, 2001b: 250). پس، از آن‌روی که ترجمه در چارچوب دیگری قرار می‌گیرد، «در بهترین حالت می‌تواند فقط به معادل نقشی درجه دومی<sup>۱۹</sup> (ثانویه) دست یابد» (Ibid).

از سوی دیگر، هاوس در معرفی ترجمه پنهان اذعان می‌کند که کار مترجم در این نوع ترجمه، بازآفرینی چارچوب‌های ذهنی و فرهنگی متن اصلی است. او «نقشی را که متن اصلی در چارچوب و دنیای گفتمانی دارد، در متن مقصد بازتولید می‌کند» (Ibid). هدف مترجم فعال‌سازی هم‌زمان چارچوب‌ها در دو فرهنگ نیست؛ او می‌خواهد متن ترجمه به «معادل نقشی واقعی» دست پیدا کند. پس برای نیل به این مقصود، مانند یک «صافی فرهنگی» عمل می‌کند و با دستکاری چارچوب‌ها، به آن‌ها رنگ‌وبوی بومی می‌دهد و متن را از پیچیدگی و عناصر بیگانه می‌زاید. در اینجا وقتی سطوح زبان/متن و سیاق ترجمه پنهان از صافی فرهنگ مترجم عبور می‌کند، ضرورتاً با همتای اصلی خود معادل نیست؛ «اما باید در سطح ژانر و نقش متنی معادل متن اصلی باشد» (Ibid). هاوس برای انتخاب صحیح یکی از دو روش فوق به نقش و کارکرد آن اشاره می‌کند، «ترجمه آشکار برای آن دسته از متونی است که به‌شدت به فرهنگ مبدأ وابسته‌اند و جایگاه مستقلی در آن دارند؛ درحالی‌که ترجمه پنهان مختص متونی است که هیچ‌یک از این شرایط را ندارند؛ یعنی زمانی که متن اصلی فرهنگ‌محور نباشد» (House, 1998: 199). در بررسی دو نوع متفاوت از ترجمه، هاوس دو نوع خطا را نیز معرفی می‌کند: آشکار و پنهان.

### ۲-۲-۳. خطای آشکار- خطای پنهان

پالامبو (۱۳۹۱) خطاهای ترجمه در الگوی هاوس را چنین باز تعریف می‌کند: «خطای آشکار یا نتیجه ناسازگاری معنای مصداقی<sup>۲۰</sup> یکی از عناصر متن مبدأ با عنصر هم ارز آن در متن مقصد است یا نتیجه پیروی نکردن از نظام زبان مقصد<sup>۲۱</sup>». بنابراین، در این رویکرد خطاهای آشکار دو علت اساسی دارند: ۱. عدم مطابقت معنای مصداقی یکی از عناصر متن اصلی با عنصر معادل خود در متن ترجمه؛ ۲. پیروی نکردن از نظام زبان مقصد. جدول ۱ علل بروز خطاهای آشکار در این نگاه را، با ذکر مصادیق عینی در حین عمل ترجمه، طبقه‌بندی می‌کند.

جدول ۱ علل بروز خطای آشکار در ترجمه

Table 1. Causes of covert errors in translation

|   |  |   |
|---|--|---|
| حذف   | عدم مطابقت معنای مصداقی عناصر در متن اصلی و ترجمه آن | ۱ |
| اضافه   |  |   |
| معادل‌گزینی نادرست  |  |   |
| غیردستوری بودن (انحراف از نظام ساختاری زبان)                | پیروی نکردن از نظام زبان مقصد                        | ۲ |
| پذیرفتگی قابل تردید <sup>۲۲</sup> (انحراف از قواعد کاربردی) |  |   |

ازسویی دیگر، پالامبو (همانجا) در ادامه بیان می‌کند که «خطای پنهان زمانی روی می‌دهد که میان متن مبدأ و مقصد از نظر نقشی سازگاری وجود نداشته باشد». به این ترتیب، برای بررسی خطای پنهان صرفاً باید نمایه‌های متن مبدأ و مقصد را مقایسه کرد و هرگونه عدم مطابقت بین مؤلفه‌های نمایه مقصد با همتای خود در متن اصلی را نوعی خطای پنهان انگاشت. در پژوهش حاضر، هر دوی این خطاها در پیکره پژوهش به‌صورت مجزا ارزیابی می‌شوند.

### ۴. روش پژوهش

داده‌های به‌کاررفته در این پژوهش برگرفته از کتاب *فرانی و زویی اثر جی. دی. سلینجر* است که با دو نسخه فارسی موجود آن مقایسه شده است. یکی از برگردان‌های فارسی این کتاب، با ترجمه میلاد زکریا، را نخستین بار نشر مرکز در سال ۱۳۸۰ منتشر کرد که چاپ هفتم آن (۱۳۸۷) برای مقایسه با متن اصلی انتخاب شده است. برگردان دیگر ترجمه امید نیک‌فرجام

است که انتشارات نیلا نخستین بار آن را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرد و برای این پژوهش، ویراست چهارم کتاب (۱۳۸۷) در نظر گرفته شده است.

در پژوهش حاضر، برای ارزیابی کیفیت ترجمه رمان *فرنی و زویی*، دو نامه از این کتاب انتخاب شده و با برگردان‌های فارسی آن مقایسه شده است. این دو نامه انعکاس کامل نقش اندیشگانی نویسنده رمان است. از طرفی، هر دو نامه پر از اشارات فرهنگی است که در بررسی‌های کاربردشناختی ترجمه و میزان درستی انتخاب معادل نقشی آن‌ها، بر مبنای الگوی هاوس، در ذهن مخاطب زبان مقصد به‌خوبی نمود پیدا می‌کند، و این مهم‌ترین دلیل انتخاب این رمان به‌عنوان پیکره پژوهش حاضر است. به‌این‌ترتیب، جملات متن اصلی با معادل‌های فارسی‌شان مقایسه شده و بنابر چارچوب نظری هاوس، دو نوع خطای آشکار و پنهان و علل بروز آن‌ها مطالعه شده است. از آنجاکه متن اصلی متنی ادبی است و هاوس (1997) برای حوزه ادبیات و داستان ترجمه آشکار را پیشنهاد می‌دهد، انتظار می‌رود که با ترجمه‌های آشکار مواجه باشیم. الگوی ارزیابی هاوس به‌ترتیب مراحل ذیل در این پژوهش به کار گرفته شده است:

۱. تحلیل سیاق متن اصلی به‌منظور ارائه نمایه متن مبدأ.
۲. بررسی ژانر متن اصلی و مشخص کردن نقش متن اصلی بنابر نقش‌های چارچوب نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی.
۳. انجام امور ذکرشده برای متن ترجمه.
۴. مقایسه متن اصلی و ترجمه‌های آن برای یافتن علل عدم تطابق معادل‌های نقشی در دو زبان (بر مبنای ابعاد موقعیتی، تحلیل سیاق و ژانر).
۵. یافتن خطاهای پنهان و آشکار براساس الگوی هاوس.
۶. طبقه‌بندی خطاهای آشکار در پنج گروه و شمارش بسامد آن‌ها در هر ترجمه.
۷. مقایسه بسامد خطاها به‌منظور ارزیابی کلی کیفیت ترجمه.
۸. بررسی داده‌ها و عملکرد مترجمان و انتخاب ترجمه مناسب‌تر.

## ۵. بررسی یافته‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مقایسه و بررسی متن مبدأ و دو ترجمه آن از دو دیدگاه

قابل بررسی است، نخست، مقایسه نمایه‌های متن مبدأ و متن ترجمه برای یافتن خطاهای پنهان و سپس تحلیل بسامد خطاهای آشکار در طبقه‌بندی ارائه شده.

### ۵-۱. بررسی خطاهای پنهان (مقایسه نمایه‌های متون مبدأ و مقصد)

در نمایه مبدأ سه عامل تعیین‌کننده سیاق (گستره، عاملان و شیوه) با تکیه بر سنجه‌های عینی ارزیابی هاوس به شرح زیر است:

**گستره گفتمان: فرنی و زویی** دو داستان به هم پیوسته با همین نام‌اند که در ابتدا هر یک به صورت مستقل به ترتیب در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۷ از سوی نشریه نیونیورکر<sup>۲۳</sup> به چاپ رسید. در سال ۱۹۶۱ انتشارات ال آند بی بوکس<sup>۲۴</sup> برای نخستین بار این داستان‌ها را در قالب یک کتاب منتشر کرد. متن مبدأ یکی از آثار پست‌مدرن ادبیات معاصر امریکایی است که در میان خوانندگان چندین نسل از آثار محبوب قرن بیستم تلقی می‌شود. مخاطب اثر بزرگسالان‌اند. ساختار زبانی اثر را می‌توان به دو بخش عمده تفکیک کرد: نخست، بخش روایی داستان، آنجا که سلینجر، به عنوان دانای کل، افراد خانواده گلاس، به ویژه فرنی و زویی، را به تصویر می‌کشد. دوم، بخش‌های مربوط به گفت‌وگوی میان شخصیت‌هاست که این مورد در داستان «زویی» پررنگ‌تر می‌شود. از آنجا که یکی از موضوع‌های اصلی کتاب پرداختن به فلسفه شرق از جمله ذن، بودیسم و هندوئیسم است، شمار قابل توجهی از واژه‌ها و اصطلاحات کتاب به این موارد اشاره می‌کند. ساختار اثر در بخش گفت‌وگوها شکل محاوره‌ای و ادبیات عامیانه دارد و پر از اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌های انگلیسی امریکایی است. در این اثر کمتر از جملات کوتاه و تک‌فعلی استفاده شده است. هر چند بیشتر جملات مرکب‌اند و در موارد متعددی در پایان آن‌ها از افزونه‌های قیدی استفاده شده است، با این حال، تجزیه و تحلیل ساختار جملات دشوار نیست و جزو متون بدخوان به شمار نمی‌آید. سلینجر به دقت از نشانه‌های سجاوندی مانند نقطه، ویرگول، خط تیره، سه نقطه، پرانتز و جزاین‌ها بهره جسته است و همین موضوع خوانش متن را ساده‌تر کرده است.

**عامل گفتمان:** عامل اثر، جی. دی. سلینجر، یکی از چهره‌های مطرح ادبیات قرن بیستم است. او با تجربه شرکت در جنگ جهانی دوم، داستان‌هایی آفریده است که بدون اشاره مستقیم به

جنگ، تلخی‌ها و عواقب دردناک جامعه پس از جنگ را به تصویر کشیده است. سلینجر در فرنی و زویی، تصویر کامل جوان‌های بحران‌زده و سردرگم جامعه پرهیاهوی امروزی را ارائه داده است. رابطه شرکت‌کنندگان در این گفتار متقارن است؛ چرا که شاخص‌های تحلیلی قدرت در آن به کار نرفته است و میان نویسنده و مخاطب نوعی همبستگی وجود دارد. در این رمان، نویسنده خود را با خوانندگان هم‌تراز کرده و داستان را به شکل یک روایت برای آن‌ها تعریف کرده است. مخاطب در مواجهه با چارچوب‌های مرسوم فکری جامعه و تصاویر ذهنی فرهنگی به شخصیت‌های داستان نزدیک می‌شود و در مواردی نیز هم‌زیستی اجتماعی را با آن‌ها تجربه می‌کند. هرچند فرزندان خانواده گلاس همگی باهوش، بلندپرواز و پرتکلف هستند، توصیف سلینجر از سبک زندگی آن‌ها (محل زندگی، نوع پوشش، نوع فعالیت‌ها و سرگرمی‌هایشان) بارها بر این موضوع تأکید می‌کند که خانواده گلاس نماینده طبقه متوسط جامعه آمریکای مدرن است. به این ترتیب، فاصله اجتماعی چندانی میان نویسنده و مخاطب مشاهده نمی‌شود.

**شیوه:** از نظر شیوه، رسانه این اثر پیچیده محسوب می‌شود، چرا که متن به گونه‌ای نگاشته شده که بیشتر گفتار محور است. استفاده از عبارات‌های محاوره‌ای، تعبیرهای خودمانی، عبارات‌های تعجب، دش‌واژه‌های کلامی، کوتاه‌نویسی و جزاین‌ها همگی از نشانه‌های سبک گفتارند که در متن سلینجر منعکس می‌شود. مشارکت در این متن پیچیده است؛ زیرا در هر دو فصل داستان با گفت‌وگوهای طولانی روبه‌رویم که خواننده را به چالش می‌کشد و خواننده در بسیاری موارد در مقام دفاع یا تأیید گفتار برمی‌آید؛ طوری که گویی خود او یکی از طرفین مکالمه است. ماهیت گفت‌وگو به نوعی جلب مشارکت مخاطب است؛ پس در اینجا نیز نمی‌توان مشارکت متن را ساده انگاشت.

با بررسی موارد قیدشده می‌توان سیاق متن مبدأ را معرفی کرد. از طرفی، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، ژانر متن در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد و نقش متن نیز عمدتاً در گروه نقش اندیشگانی تعریف می‌شود. به این ترتیب، نمایه متن مبدأ شرح داده می‌شود.

بررسی و ارزیابی دو ترجمه این رمان تقریباً حاکی از هم‌خوانی مؤلفه‌های نمایه‌های متن مبدأ و مقصد است، غیر از یک مورد که مربوط به خواستگاه و موقعیت پدیدآورنده (عاملان) اثر است. روشن است که سلینجر در مقام مؤلف اثر ادبی نمی‌تواند خواستگاه و موقعیت اجتماعی مشابهی با مترجمان اثر خود در جامعه مقصد داشته باشد. غیر از مورد یادشده،

بررسی متون حاکی از آن است که هر دو مترجم موفق شده‌اند تا حد قابل‌توجهی سیاق و ژانر پیکره متن مبدأ را حفظ کنند و به متن مقصد انتقال دهند. جدول ۲ خلاصه بررسی‌های فوق را نمایش می‌دهد:

جدول ۲. بررسی مقایسه‌ای نمایه‌های متن مبدأ و متن ترجمه

Table 2. Comparing ST and TT profiles

| نمایه متن ترجمه                  |        | نمایه متن مبدأ                         |        |
|----------------------------------|--------|--|--------|
| موضوع: رمان                      | گستره  | موضوع: رمان                            | گستره  |
| کنش اجتماعی: عمومی و پرترف‌دار   |        | کنش اجتماعی: عمومی و پرترف‌دار         |        |
| خواستگاه و موقعیت مترجم: مترجم * | عاملان | خواستگاه و موقعیت نویسنده: رمان‌نویس * | عاملان |
| رابطه شرکت‌کنندگان: متقارن       |        | رابطه شرکت‌کنندگان: متقارن             |        |
| رابطه نقش اجتماعی: غیر رسمی      |        | رابطه نقش اجتماعی: غیر رسمی            |        |
| رسانه: پیچیده                    | شیوه   | رسانه: پیچیده                          | شیوه   |
| مشارکت: پیچیده                   |        | مشارکت: پیچیده                         |        |
| ادبیات داستانی                   | ژانر   | ادبیات داستانی                         | ژانر   |
| اندیشگانی                        | نقش    | اندیشگانی                              | نقش    |

## ۲-۵. بررسی خطاهای آشکار

همان‌طور که اشاره شد، هاوس بروز خطای آشکار را نتیجه دو رویکرد نادرست مترجم می‌داند: یکی بی‌توجهی به متن مبدأ که ممکن است به شکل حذف، اضافه یا انتخاب معادل نادرست (تغییر جزئی یا کلی معنی) بروز یابد، و دیگری غفلت مترجم از هنجارهای دستوری و کاربردی زبان مقصد است که به صورت ترجمه غیردستوری یا ناکارآمد نمایان می‌شود. بنابراین، این خطاها را می‌توان در پنج گروه جداگانه بررسی کرد. منظور عینی شدن و درک بهتر این موضوع، برای هر یک از خطاها نمونه‌هایی از ترجمه‌های یادشده ارائه می‌شود. روشن است که خطاهای مذکور اغلب فقط در یکی از ترجمه‌ها مشاهده می‌شود، اما برای روشن شدن موضوع و امکان مقایسه بهتر برای ارزیابی کیفیت ترجمه، انتخاب هر دو مترجم داده شده است و تنها زیر ترجمه‌ای که خطای مذکور در آن مشاهده شده خط کشیده شده است. برای ترجمه‌های ارائه شده در ذیل، نام دو مترجم به اختصار آورده شده است، به این ترتیب، در ادامه

متن، میلاد نکریا با کوته‌نوشت م.ز. و امید نیک‌فرجام با کوته‌نوشت ان. مشخص شده است.  
 ۱. حذف: این گروه به کلمات، اصطلاحات، و یا عباراتی مربوطاند که یا در اثر بی‌توجهی مترجم یا به‌علت ترجمه‌ناپذیری یا نداشتن معادل در زبان مقصد ترجمه نشده‌اند. در مواردی هم ممکن است مترجم‌ها در برخورد با دش‌واژه‌ها از این راهکار استفاده کنند.

➤ I sound so unintelligent and dimwitted when I write to you (Salinjer, 1997, Franny: 5).

الف) وقتی برای تو می‌نویسم خیلی کودن و احمق می‌شوم. (م.ز.، ص ۵)

ب) به نظرم نامه‌هایم خیلی احمقانه و آبیکی است. (ان.، ص ۱۱)

۲. اضافه: در این نوع از خطاها، مترجم آزادانه واژه‌ها یا عباراتی را در ترجمه استفاده می‌کند که همتای آن‌ها در متن اصلی وجود ندارد. دلیل بسط‌دادن متن ترجمه از سوی مترجم ممکن است به‌منظور ساده‌سازی متن، شفاف‌سازی عبارات ناآشنای مقید به فرهنگ، و یا عدم توانایی مترجم در ارائه مختصرترین معادل موجود باشد.

➤ Anyway I love you and want to get this off *special delivery* so you can get it in plenty of time... (Salinjer, 1997, Franny: 5)

الف) به‌هرحال دوستت دارم و ... این را با پست سفارشی برایت می‌فرستم تا خیلی برای خواندنش وقت داشته باشی. (م.ز.، ص ۴)

ب) به‌هرحال دوستت دارم و می‌خواهم این نامه زود به دستت برسد تا وقت داشته باشی آن را بخوانی. (ان.، ص ۱۰)

همان‌طورکه ملاحظه می‌شود در ترجمه دوم به‌جای «پست سفارشی» از عبارت توضیحی «می‌خواهم این نامه زود به دستت برسد» استفاده شده که شرح اضافی بر متن اصلی است.

۳. معادل‌گزینی نادرست: نادرستی معادل‌ها در ترجمه امری نسبی است، گاهی انتخاب نامناسب یک معادل به‌طورکلی مفهوم اولیه‌ی واژه یا عبارت را از بین می‌برد و مخاطبان ترجمه را دچار اشتباه و بدفهمی می‌کند. گاهی نیز موضوع ناقص منتقل می‌شود و پیام نویسنده به‌درستی وارد زبان مقصد نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر، برداشت خوانندگان متن مقصد زیر مجموعه‌ای از برداشت خوانندگان متن اصلی است.

➤ When I got off the plane a few minutes later and the *Bereaved Widow* came toward me *all in Bergdorf Goodman black, I had the Wrong Expression on my face*



(Salinjer, 1997, Zooey: 62)

الف) وقتی چند دقیقه بعد از هواپیما پیاده شدم و بیوه عزادار که از سر تا پا سیاه پوشیده بود به طرفم آمد، حالت صورتم نامناسب بود. (م.ز، ص ۵۸)

ب) چند دقیقه بعد که از هواپیما پیاده شدم و آن «بیوه‌ی داغدار» با لباس برگدورف گودمن سراپا سیاهش به سراغم آمد «حالتی عوضی» به چهره داشتم. (ا.ن، ص ۵۴)

۴. غیردستوری بودن: این مجموعه از خطاها زمانی بروز پیدا می‌کند که مترجم از نظام دستوری و هنجارهای ساختاری زبان مقصد پیروی نمی‌کند و از قواعد دستوری زبان ترجمه تخطی می‌کند.

➤ I have no idea if you will be able to decipher this as the noise in the dorm is **absolutely incredible** tonight (Salinjer, 1997, Franny: 4)

الف) نمی‌دانم می‌توانی از این سر در بیاوری یا نه، چون امشب سروصدای خوابگاه مطلقاً باورنکردنی است و من به‌سختی می‌توانم صدای فکر کردن خودم را بشنوم (م.ز، ص ۵۴)

ب) امشب در خوابگاه آن قدر سروصداست که به‌زور می‌توانم حواسم را جمع کنم و نمی‌دانم از این نامه سر در می‌آوری یا نه. (ا.ن، ص ۱۰)

روشن است که در دستور زبان فارسی عبارتی نظیر «مطلقاً باورنکردنی» خوش ساخت نیست و نیز از نظر ساختارهای نحوی بومی زبان فارسی پذیرفته نیست.

۵. پذیرفتگی قابل‌تردید: این مورد شاید مهم‌ترین نوع خطا را در رویکرد نقش‌گرا به ترجمه داشته باشد. چنانچه مترجم به بعد کاربردشناختی زبان تسلط کافی نداشته باشد و نتواند مناسب‌ترین معادل نقشی را برای مخاطبان زبان مقصد برگزیند، حاصل کار عبارتی است که برای خوانندگان ترجمه نامأنوس و غیرکاربردی می‌نماید.

➤ Will you be content with that **standard box-office schmalz**? (Salinjer, 1997, Zooey: 61)

الف) آیا با آن احساساتی‌بازی استاندارد گیشه‌ای راحت خواهی بود؟ (م.ز، ص ۵۶)

ب) این سانتیمانتالیسم آبی و پرفروش هالیوودی ارضایت می‌کند. (ا.ن، ص ۵۳)

در اینجا نمونه‌ای از عناصر فرهنگ‌محور و ترجمه‌های فارسی آن ارائه شده است تا شاهدهی بر اهمیت و نقش «صافی فرهنگی» باشند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر دو عبارت مشخص‌شده از عناصر فرهنگی غایب در ذهن مخاطب فارسی‌زبان هستند که متأسفانه

معادل‌های فارسی آن‌ها نیز برای مخاطب متن مقصد همچنان بیگانه و غیرکاربردی است. در بررسی مقابله‌ای بخش‌هایی از داستان و ترجمه‌های آن، خطاهای مترجم‌ها در هر دو نسخه فارسی استخراج و در طبقه‌بندی پنج‌گانه پیشنهادی تفکیک شد. در جدول‌های ۳ و ۴ بسامد خطاهای آشکار در دو ترجمه جداگانه قابل مشاهده است.

جدول ۳. بسامد خطاهای آشکار در ترجمه الف (میلاد زکریا، نشر مرکز)  
**Table 3.** The frequency of overt errors in A translation by Milad Zakaria, Markaz Publication

| جمع | پذیرفتگی قابل تردید | غیردستوری بودن | معادل‌گزینی نادرست | اضافه | حذف |       |
|-----|---------------------|----------------|--------------------|-------|-----|-------|
| ۱۲  | ۱                   | ۳              | ۵                  | ۲     | ۱   | فرنی  |
| ۲۴  | ۵                   | ۷              | ۱۶                 | ۳     | ۳   | زویی  |
| ۴۶  | ۶                   | ۱۰             | ۲۱                 | ۵     | ۴   | مجموع |

جدول ۴. بسامد خطاهای آشکار در ترجمه ب (امید نیک‌فرجام، نشر نیلا)  
**Table 4.** The frequency of overt errors in B translation by Omid Nikfarjam, Nila Publication

| جمع | پذیرفتگی قابل تردید | غیردستوری بودن | معادل‌گزینی نادرست | اضافه | حذف |       |
|-----|---------------------|----------------|--------------------|-------|-----|-------|
| ۱۸  | -                   | -              | ۱۱                 | ۴     | ۳   | فرنی  |
| ۵۵  | ۲                   | ۱              | ۲۴                 | ۱۷    | ۱۱  | زویی  |
| ۷۳  | ۲                   | ۱              | ۳۵                 | ۲۱    | ۱۴  | مجموع |

با ملاحظه جدول ۵، می‌توان بسامد بروز خطاهای آشکار و روند سوگیری مترجمان را مستقیماً دید. تحلیل خطاهای آشکار حاکی از آن است که در هر دو ترجمه خطاهای ناشی از نادیده‌گرفتن زبان مبدأ (حذف، اضافه و معادل‌گزینی نادرست/تغییر) غالب است. به این معنا که رویکرد عمده هر دو مترجم نزدیک کردن متن مبدأ به خواستگاه‌ها و چارچوب ذهنی مخاطب

ترجمه است؛ اما در مقایسه کمی داده‌ها مشاهده می‌شود که تعداد خطاها در ترجمه نیک‌فرجام بیشتر است و از حیث فراوانی بروز خطاها، ترجمه زکریا بهتر است. نکته قابل توجهی که در ترجمه «الف» وجود دارد، تلاش مترجم برای اجتناب از بومی‌سازی مفرد و ارائه ترجمه‌ای آشکار است تا جایی که این رویکرد او منجر به بروز اصطلاحات و ساختارهای ناآشنا و کم‌تر پذیرفته نزد مخاطبان ترجمه می‌شود؛ به همین علت، در اثر او شمار خطاهای گروه چهارم و پنجم، که ریشه در نادیده‌گرفتن قواعد دستوری و کاربردی زبان مقصد دارد، به شکل قابل‌ملاحظه‌ای از ترجمه «ب» بیشتر می‌شود. نتیجه‌ای که از تحلیل بسامد خطاها در دو جدول بالا به دست می‌آید این است که بیشترین کوشش مترجم برای حفظ نقش یگانه متن اصلی، و اجتناب از بومی‌سازی مفرد برگردان فارسی، در مواردی به ترجمه‌ای سخت‌خوان منجر شده است؛ به طوری که گاهی مخاطب را با معادل‌هایی روبه‌رو می‌کند که براساس نظام زبان فارسی نادرست و غیرکاربردی‌اند. از سوی دیگر، آنجا که مترجم برای رضایت بیشتر مخاطب خود دست به انتخاب‌های آشنا با زبان و فرهنگ مقصد می‌زند، مجبور می‌شود از تعدادی از اصطلاحات و واژه‌های فرهنگ‌محور با اغماض عبور کند و یا معادل‌هایی برگزیند که نقششان در نظام‌های دو زبان متفاوت‌اند و در عمل، در ارزیابی ترجمه «معادل‌نقشی» محسوب نمی‌شوند.

جدول ۵ مقایسه بسامد خطاهای آشکار در ترجمه‌های الف و ب

ترجمه الف: میلاد زکریا، نشر مرکز/ ترجمه ب: امید نیک‌فرجام، نشر نیلا

**Table 5** Comparing overt errors in A and B translations

A: Translation by Milad Zakaria, Markaz Publication

B: Translation by Omid Nikfarjam, Nila Publication

| جمع | پذیرفتگی<br>قابل‌تردید | غیردستوری‌بودن | معادل‌گزینی<br>نادرست | اضافه | حذف |           |
|-----|------------------------|----------------|-----------------------|-------|-----|-----------|
| ۴۶  | ۶                      | ۱۰             | ۲۱                    | ۵     | ۴   | ترجمه الف |
| ۷۳  | ۲                      | ۱              | ۳۵                    | ۲۱    | ۱۴  | ترجمه ب   |

## ۶. نتیجه‌گیری

ارزیابی کیفیت ترجمه یکی از مسائل مهم در حوزه مطالعات ترجمه است. در پژوهش حاضر با

به‌کارگیری الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هاوس (1997)، مبتنی بر نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی، ترجمه‌های فارسی رمان *فرونی و زویی*، اثر جی. دی. سلینجر (1961) ارزیابی شد. الگوی مذکور دو نوع ترجمه آشکار و پنهان را معرفی می‌کند. حاصل ترجمه آشکار متنی با عناصر بیگانه و ناآشنای فرهنگی است و ردپای مترجم در اثر کاملاً مشهود است. هاوس (1997) این نوع ترجمه را برای متون فرهنگ‌محور و به‌ویژه متون ادبی پیشنهاد می‌کند. از سوی دیگر، در ترجمه پنهان می‌کوشند متن مقصد را به خواستگاه‌ها و انتظارات زبانی و فرهنگی مخاطبان ترجمه نزدیک کنند و اثری آشنا به فرهنگ مقصد ارائه دهند. مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی شیوه بازنمایی نقش متن اصلی در زبان مقصد در فرایند ترجمه ادبی بود و نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش بودند که ترجمه‌های فارسی متون ادبی تا چه حد آشکارند.

با توجه به اینکه در مقاله حاضر بیشتر از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده است، ارائه نتیجه‌ای مطلق که صرفاً برپایه تجزیه و تحلیل داده‌های عددی باشد، چندان منطقی نیست؛ اما از آنجاکه محوریت این الگو تأکید بر ضرورت تحلیل رابطه تعادلی، تبیین روابط متقابل مؤلفه‌های متنی با مؤلفه‌های بافت موقعیتی (رابطه متن با سیاق سخن) است، موارد فوق برای متن اصلی و برگردان فارسی به‌صورت موازی با جزئیات کامل بررسی شد. در بخش تحلیلی این پژوهش، نمایه‌های متن مبدأ و مقصد استخراج و مقایسه شد. این مقایسه نشان داد در هر دو ترجمه، سیاق، ژانر ترجمه و نقش زبانی اثر، به‌خوبی حفظ شده است. همان‌طور که طبق فرضیه پژوهش انتظار می‌رفت، شیوه مواجهه مترجمان با متون ادبی یکسان نبود و حاصل کار این دو مترجم در ترجمه عناصر فرهنگ‌محور در پیوستاری از مفهوم ترجمه آشکار قرار می‌گرفت. به‌لحاظ آماری، در بررسی بسامد خطاهای آشکار ترجمه، که برای نخستین بار در حوزه پژوهش‌های ارزیابی ترجمه در این مقاله مطرح شد، مشخص شد که ترجمه میلاد زکریا در مقایسه با ترجمه امید نیک‌فرجام آشکارتر است و گزینه مناسب‌تری برای تعامل فرهنگی به شمار می‌رود؛ چرا که با شمار خطاهای کمتر در حفظ نقش رمان سلینجر و انتقال آن به زبان فارسی موفق‌تر عمل کرده است.

به‌طور کلی، آنچه از الگوی هاوس در الگوی پیشنهادی این پژوهش باقی مانده است، «تأکید بر ضرورت تحلیل رابطه تعادلی»، «تبیین روابط متقابل مؤلفه‌های متنی با مؤلفه‌های بافت

موقعیتی»، «تبیین ارتباط میان لایه‌های سه‌گانه نظام معنایی زبان با مؤلفه‌های متنی و مؤلفه‌های سه‌گانه متناظر آن‌ها در سیاق سخن»، «ملاحظه بافت فرهنگی و به تبع آن، قائل شدن به عملکرد صافی فرهنگی» و «ملاحظه اهمیت گونه‌های متنی و گفتمانی» است.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. H. Vermeer
2. Skopos Theory
3. Systemic-Functional Theory (SFT)
4. M. Halliday
5. Translation Quality Assessment (TQA)
6. register
7. field
8. tenor
9. mode
10. genre
11. metafunction
12. ideational
13. interpersonal
14. textual
15. situational dimensions
16. symmetrical
17. overt/covert translation
18. functional equivalence
19. second-level functional equivalence
20. denotative meaning
21. breach of the target language system
22. dubious translatability
23. *The New Yorker*
24. L. & B. Books

## ۸. منابع

- امامی، محمد (۱۳۸۵). *بررسی امکان ارزیابی متون ترجمه شده بر پایه یک نظریه تحلیل گفتمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده زبان‌شناسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.

- پلامبو، گیزپه (۱۳۹۱). *اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه*. ترجمه فرزانه فرحزاد و عبدالله کریمزاده. تهران: قطره.
- خان‌جان، علیرضا (۱۳۷۹). *مقایسه متنی پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی با ترجمه فارسی نجف دریابندری: رهیافتی در تحلیل کلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نشرنی.
- سلینجر، جروم دیوید (۱۳۸۰). *قرانی و زویی*. ترجمه میلاد زکریا. تهران: نشر مرکز.
- سلینجر، جروم دیوید (۱۳۸۱). *قرنی و زویی*. ترجمه امید نیکفرجام. تهران: انتشارات نیلا.
- متقی‌زاده، عیسی و سیدعلا نقی‌زاده (۱۳۹۵). «تأثیر مسائل ایدئولوژیک در کیفیت ترجمه اخبار عربی: بررسی موردی ترجمه خبر شبکه الجزیره در خبرگزاری فارس بر ساس الگوی جولیان هاوس». *جستارهای زبانی*. انتشار آنلاین از تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۹۵.

#### References:

- Emami, M. (2006). *The Feasibility Study of Assessing Translated Texts Based on a Theory of Discourse Analysis*. MA thesis. Linguistics Faculty, Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Halliday, M. A. K. & R. Hasan (1976), *Cohesion in English*. London: Longman.
- ----- (1994). *An Introduction to Functional Grammar* (2nd ed.). New York: Edward Arnold.
- ----- (2001). "Towards a theory of good translation". In E. Steiner & C. Yallop (Eds.), *Exploring Translation and Multi-lingual Text Production: Beyond Context* (Pp. 13-18). Berlin: Mouton De Gryer.
- House, J. (1997) *Translation Quality Assessment: A Model Revisited*. Tübingen: Gunter Narr.
- ----- (1998). "Quality of translation". in Routledge Encyclopedia of Translation Studies edited by Mona Baker. London: Routledge. Pp.197-200.

- ----- (2001a). "How do we know when a translation is good?". In E. Steiner & C. Yallop (Eds.), *Exploring Translation and Multi-lingual text Production: Beyond content* (Pp. 127-160). Berlin: Mouton De Gruyter.
- ----- (2001b). "Translation quality assessment: Linguistic description versus social evaluation". *Meta*. 46(2).Pp. 243-257.
- ----- (2005). *Text and Context in Translation*. University of Hamburg, Linguistic and Applied Linguistics.
- ----- (2009). *Translation*. London: Oxford University Press.
- ----- (2014). "Translation quality assessment: Past and present", in J House (ed.), *Translation: a multidisciplinary approach*. Palgrave Macmillan, Basingstoke. Pp. 241-264.
- Khanjan, A. (2000). *Textual Comparison of The Old Man and The Sea by Ernest Hemingway and Its Persian Translation By Najaf Daryabandari: An Approach in Discourse Analysis*. M.A Thesis. University of Isfahan. [In Persian].
- Motaghizadeh, I. & S. A. Naghizadeh (2017), "Effect of ideological issues on quality of translation of Arabic news: A case study of Aljazeera's media network translation into Fars News agency based on Julian House Pattern". *Language Related Research*. 8 (4). Pp. 143- 173. [In Persian].
- Palumbo, G. (2009). *Key Terms in Translation Studies*. Translated from English by F. Farahzad and A. Karimzadeh. Tehran: Ghatreh .[In Persian].
- Reiss, K.; J. House & C. Schäffner (2004), *A Functionalist Approach to Translation Criticism* (selected papaers). Translated from English by G. Saeidinia. Tehran: Ghatreh .[In Persian].
- Salinger, J. D. (1961). *Franny and Zooey*. Boston: Little, Brown and Company.
- ----- (1961). *Franny and Zooey*. Translated from English by Milad Zakaria. Tehran: Markaz .[In Persian].

- Salinger, J. D. (1961). *Franny and Zooey*. Translated from English by Omid Nikfarjam. Tehran: Nila .[In Persian].
- Schäffner, C. (1997). "From "good" to "functionally appropriate": assessing translation quality". *Current Issues in Language and Society*, Vol.4, No.1. Pp.1-5
- Soltani, A. A. (2005). *Power, Discourse and Langugae*. Tehran: Ney.[In Persian].